

نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در لکهنوی هند

حیدر رضا ضابط

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه تاریخ اسلام

چندی پس از انقراض حکومت‌های شیعه قطب شاهیان و عادلشاهیان در سال ۱۰۹۸ق توسط امپراتور گورکانی اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ق) حکومت شیعه دیگری در شمال هند به نام پادشاهی آوده به قدرت رسید که پایتخت آن، نخست شهر فیض آباد و سپس لکهنو بود.

به علت ضعف مغولان متأخر (گورکانیان)، سادات بارهه که ایرانی بودند، قدرت را در دهلی پایتخت گورکانیان به دست آوردند. رهبری این جناح به دست دو برادر به نامهای عبدالله خان و حسین علی خان شاه تراش بود. آنها امپراتوران

دست‌نشانده متعددی، از گورکانیان را بر تخت نشانده یا از تخت به زیر می‌آوردند تا اینکه قدرتشان توسط محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ق) / (۱۷۱۹-۱۷۴۸م) درهم شکسته شد.

میر محمد امین موسوی نیشابوری (۱۱۴۵-۱۱۵۲ق / ۱۷۳۲-۱۷۳۹م) بنیانگذار پادشاهی اوده، که در دوران نفوذ سادات بارهه به مقامات عالی رسیده بود، برای سرنگونی حسین علی خان شاه تراش با محمد شاه همکاری نمود و شاه گورکانی به میرمحمد امین نیشابوری لقب بهادر داد و در روز ۲۹ ذوالقعدة ۱۱۳۴ق / ۱۷۲۲م حکومت اوده به او بخشیده شد. این منطقه از زمان بابر گورکانی بخشی از امپراتوری مغول بود. وی را برهان الملک لقب دادند و او به سعادت علی خان شهرت یافت و حکومت حاکمان شیعه از نیشابور ایران برای مدت بیش از ۱۳۰ سال ادامه یافت.

در سال ۱۱۵۲ق / ۱۷۳۸م به هنگام حمله نادرشاه به هند، سعادت علی خان میان محمد شاه و نادر شاه صلح ایجاد نمود و نادرشاه به وی خلعت پوشاند و اجازه داد تا به‌طور خصوصی شرفیاب شود و بدین ترتیب سعادت علی خان، نماینده تام‌الاختیار دو پادشاه هند و ایران شد.

نقش ایرانیان مهاجر

پس از سقوط حکومت صفویان در ۱۱۴۵ق

۱۷۳۲م در ایران تعدادی از شیعیان و بازرگان برجسته ایرانی، کشور را به مقصد ملتان در پنجاب ترک کردند و از آنجا به سوی شهرهای گجرات، دهلی و بنگال پراکنده شدند. بعد از تأسیس حکومت شیعه و ایرانی در ایالات اوده در شمال هند شماری از آنان به فیض آباد مهاجرت نمودند و از سوی حاکمان شیعه ایرانی به این ایرانیان مهاجر منصبهای بزرگ عطا گردید و ایرانیان مهاجر در اوده نقش بسزایی در ترویج تشیع در شمال هند، دهلی، گجرات و بنگال داشتند.^۱

با تبلیغات گسترده ایرانیان مهاجر در اوده تعدادی از مسلمانان اهل سنت و هندوها مذهب تشیع را برگزیدند که باعث افزایش شمار شیعیان در این منطقه گردید و امروزه در منطقه اوده بیش از ۸ میلیون شیعه سکونت دارند.

سعادت علی خان شهر فیض آباد را مرکز حکومت خود قرار داد و ضعف دولت مرکزی در دهلی باعث شد که ایالت اوده به یک منطقه خودمختار تبدیل شود و علما از سراسر هند و ایران به فیض آباد مراجعت نمایند و به خاطر حمایتهای سعادت علی خان، ایالت اوده مرکز استقرار علما و دانشمندان و مهد علوم و فنون اسلامی گردید. سعادت علی خان و جانشینهای وی صفدر جنگ و شجاع الدوله برای ترویج تشیع و مراسم عزاداری شهیدان کربلا کوششهای زیادی نمودند. در سال ۱۱۸۸ق / ۱۷۷۵م پایتخت اوده از فیض آباد به لکهنو منتقل گردید.

صدر جهان بیگم (م ۱۲۱۰ق / ۱۷۹۶م) مادر بزرگ آصف الدوله حسینی بزرگی در شهر فیض آباد احداث نمود و مادر آصف الدوله به نام بهویبیگم هدایایی گرانقیمت به مبلغ صد هزار روپیه به نجف اشرف و کربلای معلی ارسال نمود.^۲

با مرگ اورنگ زیب در ۱۱۱۸ق / ۱۷۰۷م دوران زوال امپراتوری گورکانیان آغاز شد. حمله نادرشاه افشار به هند در ۱۱۵۱-۱۱۵۲ق / ۱۷۳۸-۱۷۳۹م و اشغال دهلی به وسیله او، و سپس لشکرکشیهای احمد شاه درانی و تجاوزهای مراتها، جاتها و سیکها به دهلی، ضربات مادی و اخلاقی شدیدی بر پیکر امپراتوری وارد ساخت.

بعد از حمله نادرشاه به هند شمار فراوانی از سربازان ایرانی که همه آنها شیعه بودند در دهلی ماندگار شدند و تعدادی از آنها به ایالت اوده مهاجرت نمودند و مناصبی را در ارتش و سازمانهای دولتی به دست آوردند. آنها هم در ترویج تشیع و مراسم عزاداری در این منطقه نقش مهمی ایفا نمودند. سعادت خان ذوالفقار جنگ از سادات مرعشی مازندران صفدر جنگ را همراهی کرد و در ایالت اوده سکونت اختیار

1- Rizvi, Saiyid Athar Abbas: *A Socio-Intellectual History of Isna Ashari Shi'is in India*, New Delhi, 1986, vol. II. p. 49.

۲- کمال الدین حیدر حسینی، سوانحات سلاطین اوده، لکهنو، ۱۸۹۶م، ص ۱۸۷-۲۰۲، ۲۳۳-۲۳۵.

نمود. وی یکی از ایرانیان صاحب نفوذ در دهلی بود.

محمد مقیم، مشهور به منصور علی خان، با لقب صفدر جنگ به جای عموی خود نواب «حاکم» اوده گردید و نخستین «نواب وزیر» یعنی نواب اوده و وزیر اعظم امپراتور گورکانیان در دهلی بود. صفدر جنگ شورش افغانها و مراتهاها در دهلی را سرکوب نمود و بعد از این نفوذ شیعیان در قلمرو گورکانیان و در اوده به اوج خود رسید.^۱

صفدر جنگ در روز ۱۷ ذوالحجه ۱۱۶۷ ق / ۱۷۵۶م در دهلی درگذشت و در محل «شاه مردان» به خاک سپرده شد و جانشین وی شجاع الدوله (۱۱۶۷-۱۱۸۸ ق) دومین «نواب وزیر» شد و گنبد و بارگاه با شکوهی بر روی قبر صفدر جنگ بنا نمود که یکی از آثار باشکوه دهلی به شمار می آید.

در دوران حکومت نواب شجاع الدوله ایالت اوده توسعه‌ای فوق‌العاده یافت و امتداد آن از رود گندک در شمال شرق، رود گنگا در جنوب غرب، نپال در شمال و رود سائی در جنوب بود و پنج بخش فیض آباد، گور کهپور، لکهنو، خیرآباد و بهرایچ را دربر می‌گرفت.

آغاز حملات احمد شاه درانی به شمال هند در سالهای ۱۱۷۰-۱۱۷۴ ق / ۱۷۵۷-۱۷۶۱م و کشتار شیعیان دهلی به دست ارتش درانی باعث شد که تعداد زیادی از شیعیان مقیم دهلی به قلمرو حکومت شیعی اوده مهاجرت نمایند و

این هم باعث افزایش شمار شیعیان در اوده گردید.

حاکمان ایرانی در اوده و بنگال کوشش نمودند جلوی نفوذ استعمارگران انگلیس را در شرق هند بگیرند و از این‌رو در جنگ تاریخی بکسر - که در روز ۲۲ اکتبر ۱۷۶۴م در بنگال رخ داد - با ارتش بریتانیا که از تجهیزات پیشرفته نظامی برخوردار بود درگیر شدند، ولی به دلیل دریافت نکردن کمک از امپراتور گورکانی در دهلی و هندیهای دیگر مناطق شکست خوردند و این موضوع به قدرت یافتن کمپانی هند شرقی انگلیس در ایالت بنگال هند انجامید. با این حال، شیعیان هند این افتخار را دارند که اولین جنگ علیه قدرت استعمارگر انگلیس را رهبری کردند. در دوران فرمانداری میرزا نجف خان ذوالفقار الدوله در دهلی در اواخر قرن هیجدهم میلادی تشیع دوباره در دهلی و مناطق اطراف آن رونق یافت. میرزا نجف خان در سال ۱۷۳۷م در اصفهان متولد شد و در دوران نوجوانی به هند مهاجرت نمود و در دیار سلاطین گورکانیان دهلی صاحب منصب گردید.

نجف خان از سربازان شیعه منطقه اوده واحدهای قدرتمند نظامی را در دهلی تشکیل داد.^۲ مراسم عزاداری دوباره در دهلی توسط وی

1- Rizvi, S.A.A. *Shah Wali-Allah and His Times*. Canberra, 1980, pp. 154-59.

2- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 64.

احیا گردید. در دوران فرمانداری نجف خان شماری از خانواده‌های اهل سنت در شمال هند شیعه شدند و در ایالت‌های پنجاب و سند هم تعداد زیادی از خانواده‌های اهل سنت که سادات بودند مذهب شیعه را اختیار کردند. نقش پای مبارک امام علی علیه السلام در دهلی در این دوران به مهم‌ترین مرکز دینی شیعیان تبدیل شد و این مرکز به «شاه مردان» معروف گشت. گنبد و بارگاه نواب صفدر جنگ هم در نزدیکی «شاه مردان» قرار دارد. محل نقش دست مبارک امام علی علیه السلام نیز در محل کشمیری گیت دهلی به نام «پنجه شریف» معروف است و قبرستان شیعه هم در این محل واقع شده است.^۱

در دوران حکومت نواب شجاع الدوله فیض‌آباد پایتخت اوده به بزرگ‌ترین مرکز مذهبی و علمی شیعیان در هند تبدیل شد و تعداد زیادی از علمای شیعه از ایران و مناطق مختلف هند به شهر فیض‌آباد مهاجرت کردند. نواب شجاع الدوله در ۲۴ ذوالقعدة ۱۱۸۸ق / ۲۶ ژانویه ۱۷۷۵م درگذشت و پسر وی آصف الدوله (۱۱۸۸-۱۲۱۲ق / ۱۷۷۵-۱۷۹۷م) جانشین پدر و سومین نواب وزیر اوده گردید. در سال ۱۱۸۸ق / ۱۷۷۵م نواب آصف الدوله پایتخت خود را از فیض‌آباد به لکهنو منتقل نمود، ولی شهر فیض‌آباد نقش خود را به عنوان مرکز شیعی حفظ کرد.

لکهنو بزرگ‌ترین مرکز عزاداری در هند

بعد از انتقال پایتخت به لکهنو با کوشش‌های حاکمان و علمای شیعه و ایرانی، این شهر به مرکز عزاداری‌های باشکوه در مناسبت‌های مختلف مذهبی تبدیل گردید. نواب آصف الدوله برای ترویج مراسم عزاداری مبالغه‌سیاری هزینه می‌کرد؛ از جمله در مراسم عزاداری ماه محرم از سوی دولت همه ساله بیش از ششصد هزار روپیه هزینه می‌شد.^۲

نواب آصف الدوله با دارا بودن قدرت نظامی توانست قلمرو خود را از تجاوز و نفوذ نظامی قدرت استعمارگر انگلیس حفظ نماید. دوران حکومت نواب آصف الدوله عصر طلایی حاکمان اوده و اقتدار و عظمت تشیع در ایالت اوده تلقی می‌شود. در این دوران مراسم عزاداری شهیدان کربلا در ماه‌های محرم و صفر با شکوه و عظمت در سراسر اوده برگزار می‌گردید و سنت‌های عزاداری که در اوده رایج شد در میان شیعیان و مسلمانان سراسر شبه قاره هند گسترش یافت.

با شکوه‌ترین حسینیه در شبه قاره هند توسط نواب آصف الدوله در سال ۱۷۹۲م به قیمت ۵۰ لاکه (۵ میلیون) روپیه احداث گردید که به نام امام‌باره بزرگ آصف الدوله معروف است. در زمان حکومت نواب‌های اوده شهر لکهنو مرکز

1- Ibid, vol II, p. 73.

2- Ibid, vol II, p. 309-10.

تشیع در هند گردید و بناهای مذهبی فراوانی در این شهر احداث گردید. در عصر فرمانروایی آنها قوانین شیعی به عنوان قوانین رسمی محاکم شرع اعلام گردید. در سال ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۶م حکومت شیعی اوده در هند توسط بریتانیا برکنار گردید، اما فرهنگ شیعه در لکهنو به حیات و شکوفایی خود ادامه داد و امروزه در مدارس مذهبی این شهر طلاب علوم دینی به تحصیل می‌پردازند.

در دوران حکومت شیعیان در منطقه اوده، سفر به عراق و ایران برای زیارت بارگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برای عموم مردم بسیار دشوار بود و به همین سبب سلاطین شیعه اوده شبیه بارگاههای ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در حجم و شکل واقعی و محلهایی به نام «کربلا» در این شهر بنا کردند. در این شهر، ۵۹ حسینیه تاریخی وجود دارد و شهر لکهنو به دلیل وجود این مراکز عزاداری و برگزار نمودن مراسم عزاداری باشکوه و عظمت در سراسر جهان شهرت یافته است.

علامه غفران مآب احیاگر تشیع در هند

علامه سید دلدار علی نقوی سبزواری از علمای صاحب نفوذ و احیاگر تشیع در شبه قاره هند در اواخر قرن هیجدهم میلادی بود. وی در سال ۱۱۶۶ق / ۱۷۵۲م در نصیرآباد در نزدیکی شهر رای بریلی در شمال هند متولد شد و تبار وی به سید نجم‌الدین نقوی سبزواری می‌رسد. اجداد علامه دلدار علی همانند بسیاری از خاندان

سادات، بعد از حملات مغولان به خراسان، زادگاه خود خراسان را ترک کردند و در مناطق اطراف لکهنو سکونت گزیدند و در آنجا ماندگار شدند^۱.

علامه سید دلدار علی در الله‌آباد، سندیله از توابع لکهنو، رای بریلی، فیض‌آباد و لکهنو نزد استادانی علوم اسلامی را فراگرفت. وی در سال ۱۱۹۳ق با پشتیبانی مالی میرزا حسن رضا خان سرفراز الدوله، وزیر اعظم نواب آصف الدوله در اوده، برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و در کربلا و نجف نزد فقهای نامدار آن زمان تحصیلاتش را ادامه داد. وی در سال ۱۱۹۴ق از عراق به مشهد مقدس بازگشت و از محضر علامه سید محمد مهدی بن هدایه الله اصفهانی خراسانی بهره برد. علامه سید دلدار علی سرانجام به زادگاهش نصیرآباد بازگشت و در آنجا مسجد و حسینیه بنا نمود و به تدریس و ارشاد مردم پرداخت و در پی دعوت سرفراز الدوله به لکهنو رفت.

علامه دلدار علی از سوی سرفراز الدوله وزیر اعظم اوده به عنوان امام جمعه لکهنو منصوب شد و در روز ۲۷ رجب سال ۱۲۰۰ق اولین نماز جمعه به امامت علامه دلدار علی در شهر لکهنو برگزار گردید. اکنون نیز نماز جمعه در مسجد جامع این شهر که در نزدیکی امام‌باره

1- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 128-29.

آصفیه واقع شده است با شکوهی خاص برگزار می‌گردد.

علامه دلداری علی با استمرار برپایی نماز جمعه و جماعات و با وعظ و خطابه و تربیت طلاب و تألیف کتابهای گوناگون در علوم اسلامی، در گسترش تشیع در شبه قاره هند نقش حیاتی ایفا نمود. علامه دلداری علی فقیهی بسیار پرهیزکار بود و سراسر زندگی او در تدریس و تألیف سپری گشت. سلطان و امرای اوده و شیعیان شبه قاره هند فتاوی او را می‌پذیرفتند. وی اختلافات پیچیده‌ای را حل و فصل می‌نمود و اختلافات دیرپای میان شیعیان و اهل سنت با درایت وی پایان یافت. وی با تبلیغات خود موفق گردید خرافات راه یافته در میان شیعیان آن زمان را در شبه قاره هند ریشه‌کن نماید. وی چندین کتاب علمی و تحقیقی در رد مسلک اخباری‌گری، سلفی‌گری و صوفی‌گری تألیف نمود.

با کوششهای علامه دلداری علی نواب آصف الدوله حاکم اوده نهری در کربلا احداث و مقابر امامان را در عراق مرمت و بازسازی نمود. علاوه بر این نواب آصف الدوله نیم میلیون روپیه به حاجی محمد تهرانی یکی از تجار معروف ایرانی مقیم بنگال هند داد و وی برای تأمین آب شهر نجف، کانال آب از کوفه به نجف احداث نمود.^۱

نواب آصف الدوله به درخواست علامه دلداری علی ۸۰ هزار سکه طلا برای ساخت کانال

از رود فرات تا کربلا هزینه نمود. این کانال به نام «نهر آصفی» معروف است.

علامه دلداری علی برای اولین بار هر روز از دهه اول محرم را به یکی از شهدای کربلا اختصاص داد. این سنت امروزه نیز در سراسر هند رعایت می‌شود. وی همچنین در مجالس عزاداری قبل از نوحه‌سرایایی و سینه‌زنی، ایراد سخنرانی را رایج نمود و این بهترین وسیله ترویج آموزه‌های دینی در شبه قاره هند شد. علامه دلداری علی دستور داد که بر منابر از روی کتابهای معتبر مقتل خوانده شود و سپس اصل متن عربی به اردو ترجمه گردد. این روش ذکر مصیبت در شبه قاره هند را «حدیث خوانی» می‌نامند.^۲

اولین مقتل در زبان اردو توسط علامه دلداری علی با عنوان ضیاء الابصار تألیف گردید. وی در این کتاب تمامی روایات معتبر درباره شهادت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را گردآوری و آنها را به اردو ترجمه نموده است.^۳ وی مقتل دیگری به زبان عربی با عنوان آثارة الاحزان علی القتیل العطشان تألیف کرد.

علامه دلداری علی آثار فراوانی به زبانهای عربی، فارسی و اردو در علوم مختلف اسلامی از

1- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 76.

۲ - محمد باقر شمس، هندوستان مین شیعیت کی تاریخ، ص ۷۶.

۳ - ساحر لکهنوی، خانواده اجتهاد کی مرثیه گو، ص ۶۶.

خود به جای گذاشته است. این کتابها بیشتر در ردّ اخباریان، تشریح اصول مذهب و فقه شیعی، زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام، تبلیغ و ترویج مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام در ماههای محرم و صفر، تعلیقات و شرح بر کتابهای معروف شیعی، ردّ بر صوفیان و تحفه اثنی عشریه شاه عبدالعزیز دهلوی می‌باشد.

خدمات فرزندان علامه غفران مآب به تشیع

فرزندان علامه غفران مآب به نامهای سید محمد (۱۱۹۹-۱۲۸۴ق)، سید علی (م ۱۲۵۹ق)، سید حسن (۱۲۰۵-۱۲۶۰ق) و سید حسین (۱۲۱۱-۱۲۷۳ق) از فقهای محقق بودند و خدمات ارزنده‌ای برای ترویج تشیع در شبه قاره هند انجام دادند.

سید محمد فرزند ارشد علامه غفران مآب در قلمرو اوده به عنوان سلطان العلماء شهرت یافت. وی در ۱۹ سالگی به درجه اجتهاد رسید و مانند پدرش محقق بزرگواری بود و در سه زبان فارسی، اردو و عربی تألیفات متعددی در فقه، حدیث و کلام از خود به جای گذاشت. وی فقیهی مبارز بود و در مقابل اعمال بدعت‌آمیز سلطان نصیرالدین (۱۲۴۳-۱۲۵۳ق / ۱۸۲۷-۱۸۳۷م) ایستادگی نمود و سلطان را از انجام کارهایش بازداشت. سلطان نصیرالدین از سلطان العلماء خواست با صدور فتوا اعمال ضد دینی وی را تأیید نماید، ولی سلطان العلماء با خواسته وی مخالفت نمود و در پی آن سلطان

فرمان به توپ بستن خانه سلطان العلماء را صادر کرد. تقاضای بزرگان اوده برای انصراف شاه از این عمل نتیجه نداد. فرمانده توپخانه سلطنت اوده پس از دریافت دستور به توپ بستن منزل سلطان العلماء، عژاده‌های توپ را به سوی قصر سلطنتی و منزل سلطان العلماء هر دو نشانه گرفت. شاه فرمانده را احضار نمود و از وی خواست نشانه گرفتن قصر سلطنتی را توضیح دهد.

فرمانده توپخانه در جواب شاه گفت: برای من پذیرفته نیست که خانه شاه دین (سلطان العلماء علامه سید محمد) خراب شود و خانه شاه دنیا باقی بماند؛ از این رو من آماده‌ام که دین و دنیای خود را خراب کنم!

شاه از پاسخ فرمانده توپخانه تحت تأثیر قرار گرفت و از تصمیم خود منصرف گردید.^۱

در سال ۱۲۵۸ق / ۱۸۴۲م امجد علی شاه، بعد از فوت پدرش محمد علی شاه سلطان اوده گردید و اعلان نمود که حکومت اوده را تحویل سلطان العلماء علامه سید محمد می‌دهد؛ زیرا حاکم واقعی امام مهدی (عج) می‌باشد و در عصر غیبت آن حضرت، سلطان العلماء به عنوان فقیه برجسته نائب امام زمان (عج) و ولی و حاکم می‌باشد. سلطان العلماء نیز در حکمی امجد علی شاه را به عنوان نائب خود منصوب کرد و

۱ - هندوستان مین شیعیت کی تاریخ، ص ۵۲.

بدین سان حکومت وی مشروعیت یافت.^۱ در دوره زمامداری امجد علی شاه، سلطان محکمه قضایی با عنوان «مرافعة الشریعة» تأسیس نمود تا امور قضایی مطابق فقه و قوانین اسلامی حل و فصل گردد. سلطان العلماء، علمای برجسته شیعی و سنی را به عنوان قضات در سراسر قلمرو سلطنت منصوب نمود. وی همچنین زکات اموال شاه را محاسبه، دریافت و در امور مختلف هزینه می‌کرد. سلطان العلماء مرجع تقلید اکثریت مطلق شیعیان سراسر شبه قاره هند بود و شیعیان در این شبه قاره بزرگ مطابق فتوای وی عمل می‌کردند.^۲

با کوششهای سلطان العلماء و برادر وی سید العلماء علامه سید حسین، سلاطین اوده کمکهای مالی را برای حوزه‌های علمیه در نجف، کربلا و مشهد ارسال نمودند و کارهای عمرانی برای بازسازی و توسعه بارگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام در عراق انجام دادند. کارهای عمرانی که سلاطین اوده در دوران زعامت سلطان العلماء انجام دادند، بدین قرار می‌باشد:

۱) اهدای سی هزار روپیه برای طلاکاری در ورودی حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام و تعمیر ایوان طلا در داخل این حرم. ۲) احداث گنبد و بارگاه بر روی قبور حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در کوفه در سال ۱۲۶۳ق، که مبلغ پانزده هزار روپیه در این خصوص هزینه گردید.

۳) بازسازی کانال آب شهر نجف معروف به «شهر آصفی» با هزینه صد و پنجاه هزار روپیه. این کانال آب به اهتمام نواب آصف الدوله با هزینه نیم میلیون روپیه احداث شده بود.

۴) احداث کانال آب در کربلا که به کانال حسینی معروف شد، با هزینه صد و پنجاه هزار روپیه.

۵) احداث چهار دیواری برای حرم مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما‌السلام در شهر سامرا و طلاکاری گنبد امام حسن عسکری علیه‌السلام.

۶) ساخت گلدسته برای مسجد کوفه.

۷) احداث مسافرخانه‌ای به نام فردوس، برای زائران در شهر سامرا.

هزینه انجام کارهای عمرانی یاد شده در عراق به حکم سلطان العلماء توسط سلاطین اوده برای مؤلف جواهر الکلام، علامه محمد حسن نجفی از مراجع بزرگ آن دوران و مقیم حوزه علمیه نجف ارسال گردید.^۳

از دیگر فرزندان علامه دلداری علی، سید علی، سید حسن، سید حسین و سید مهدی بودند که همه آنان از علما و فقهای برجسته عصر خود در شبه قاره هند به‌شمار می‌رفتند. سید علی بن دلداری علی اولین تفسیر شیعی از قرآن مجید را به

۱ - همان، ص ۳۳.

2- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 139-140.

۳ - سوانحات سلاطین اوده، ص ۱۱۲-۱۱۴.

زبان اردو با عنوان توضیح المجید در هشت مجلد تألیف نمود. وی از واعظان برجسته بود و در سفر زیارت عتبات عالیات در روز ۱۸ رمضان ۱۲۵۹ق در شهر کربلا درگذشت. علامه سید کلب حسین فرزند وی می‌باشد.

سید حسن بن دلدار نیز از علمای فاضل بود و اولین کتاب علم کلام شیعی در زبان اردو را با عنوان باقیات الصالحات تألیف نمود. وی در روز ۱۱ شوال ۱۲۶۰ق در شهر لکهنو درگذشت. مولوی سید حسن مُسنّا از علمای معروف شیعه در هند از فرزندان وی می‌باشد.^۱

چهارمین فرزند علامه دلدار علی به نام سید مهدی در ۲۳ سالگی و در حیات پدرش در سال ۱۲۳۱ق درگذشت.^۲

سید حسین پنجمین و آخرین پسر علامه دلدار علی بود که مانند پدر و برادر بزرگ خود سلطان العلماء فقیهی برجسته به‌شمار می‌رفت و در شبه قاره هند به عنوان سید العلماء شهرت یافت. سید حسین در روز ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۲۱۱ق در لکهنو متولد شد و در هفده سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی بیست عنوان کتاب در فقه، ادعیه، کلام، فلسفه، اخلاق، تفسیر قرآن، مقتل امام حسین علیه السلام، فلسفه غیبت امام زمان (عج) و ردّ مکتب شیخیه تألیف نمود. سید حسین مسئول گردآوری و تقسیم زکات در سراسر سلطنت اوده شد. وی شخصاً زکاتِ اموال سلطان و امرای اوده را محاسبه و دریافت می‌نمود و مطابق قوانین شرعی آن را میان

مستحقان آن تقسیم می‌کرد. وی به دیدار فقرا و بیماران می‌رفت و به آنها کمک مالی می‌کرد. سید حسین انسانی بسیار زاهد بود و بیشتر روزها را روزه می‌گرفت و شبها به عبادت می‌پرداخت. وی در ۱۷ صفر ۱۲۷۳ق درگذشت و در حیاط حسینیّه حضرت غفران‌مآب شهر لکهنو به خاک سپرده شد.^۳

مبارزه با استعمار انگلیس

در دوران حکومت واجد علی شاه (۱۲۶۴-۱۲۷۳ق / ۱۸۴۷-۱۸۵۶م) با کوششهای سلطان العلماء کمک مالی فراوانی به حرمین شریفین و مراقد ائمه اطهار علیهم السلام در شهرهای مقدس نجف، کربلا و مشهد ارسال گردید. علاوه براین به مراکز دینی مانند مساجد، حسینیّه‌ها و حوزه‌های علمیه در قلمرو اوده هم کمکهای مالی زیادی عطا گردید. سلطان العلماء به عنوان حاکم شرع سلطنت اوده تمامی مسائل پیچیده سیاسی، اجتماعی و قضایی را با فتاوی خود حل می‌نمود. در یک مورد وی به سود یک تاجر و علیه امجد علی شاه حکم صادر کرد و مطابق آن مبلغ هفتصد هزار روپیه به تاجر توسط

۱- نوگویی، سید محمد حسین، تذکره بی‌بها، دهلی، ۱۹۳۴م، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۲- مرتضی حسین، مطلع انوار، کراچی، ۱۹۸۱م، ص ۶۴۸-۶۴۹.

3- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 144.

سلطان اوده پرداخت گردید.^۱

در سال ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۶م آخرین سلطان اوده از سوی ارتش انگلیس برکنار گردید. ارتش انگلیس با اشغال نظامی شهر لکهنو واجد علی شاه را دستگیر و وی را با اعضای خانواده‌اش به شهر کلکته، مقر حکومتی کمپانی هند شرقی بریتانیا تبعید نمود. سلطان العلماء علیه اشغال نظامی لکهنو فتوا صادر نمود که مسلمانان باید از خود دفاع نمایند و «بر حکام عصر طبق حکم شرع، دفع شرکفآز اهل ایمان و اسلام و اجرای حدود بر محاربین مشرک و قصاص خون مسلمانان واجب است».^۲

این فتوای تاریخی سلطان العلماء آغازگر «اولین جنگ آزادی» در سال ۱۸۵۷م علیه ارتش اشغالگر انگلیس شد. در روز ۳۰ ژوئن ارتش مدرن و مجهز انگلستان در محل چنیت در نزدیکی شهر لکهنو به دست مردم این شهر تارومار شد و روز بعد شهر لکهنو هم از اشغال نظامی انگلستان آزاد گردید و نزدیک به یک سال مردم لکهنو حملات مکرر ارتش انگلیس را دفع کردند. در این مقاومت تاریخی، علمای شیعه لکهنو مستقیماً شرکت داشتند.

ارتش انگلستان با بهره‌گیری از سربازانی تازه‌نفس و تجهیزاتی پیشرفته در ماه ژوئن ۱۸۵۸م عملیات گسترده اشغال مجدد شهر لکهنو را آغاز کرد و در روز ۱۹ ژوئن ۱۸۵۸م شهر لکهنو دوباره توسط ارتش انگلیس اشغال گردید.^۳ در پی آن تعدادی از مراکز دینی مانند

مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌ها توسط اشغالگران ویران و حسینیه عظیم آصفیه لکهنو به محل استقرار سربازان انگلیس تبدیل شد.

ارتش اشغالگر انگلیس همچنین خانه‌های فرزندان و اعضای خانواده علامه دلداری را در لکهنو ویران کرده، با احداث خیابانی در آن محل، آن را به نام ملکه انگلستان ویکتوریا نامگذاری نمودند. پس از این واقعه، شماری از علمای برجسته از این خانواده به اجبار لکهنو را ترک کرده، به عراق عزیمت نمودند و در شهر مقدس کربلا ماندگار شدند. با این حال، سلطان العلماء در لکهنو ماند و کوشید از آثار دینی شیعیان حفاظت نماید. سلطان العلماء در ۲۲ ربیع الاول ۱۲۸۴ق / ۲۴ ژوئیه ۱۸۶۷م در لکهنو درگذشت و در جوار پدرش در حیاط حسینیه غفران‌مآب به خاک سپرده شد.^۴

خدمات مفتی محمد عباس شوشتری

یکی دیگر از علمای بزرگ شیعه که در آن زمان خدماتی گسترده برای ترویج تشیع در شبه قاره انجام داد، مفتی میر محمد عباس موسوی جزایری شوشتری (متولد ربیع‌الاول ۱۲۲۴ق)

۱ - هندوستان مین شیعت کی تاریخ، ص ۳۵.

۲ - همان، ص ۶۳.

3- Ahluwalia M.M: *Indian History and Culture*, New Delhi, 1993, p. 303.

۴ - تذکره بی‌بها، ص ۲۴۹-۲۵۱.

بود. وی از احفاد سید نعمت‌الله جزائری صاحب الانوار النعمانیه بود. وی انسانی نابغه و اعجوبه بود و در ۱۲ سالگی مثنوی به زبان اردو به نام بنیاد اعتقاد درباره اعتقادات شیعه و در ۱۴ سالگی مثنوی به زبان فارسی به عنوان مثنوی و سلوی سرود. وی کتابهای فراوانی را تألیف نمود که ۱۵۰ اثر وی به چاپ رسیده و تعدادی از آنها هنوز چاپ نشده است و به عنوان نسخه‌های خطی موجود می‌باشد.

وی از شاگردان برجسته سلطان العلماء سید محمد و سید العلماء سید حسین بود. وی در سال ۱۲۶۱ق از سوی امجد علی شاه در دیوان به قضاوت و افتا پرداخت و ملقب به تاج العلماء شد سلطان العلماء وی را به سمت مفتی لکهنو منصوب نمود.^۱

بعد از اشغال نظامی لکهنو به دست ارتش انگلیس در سال ۱۸۵۷م، مفتی محمد عباس مجبور شد شهر لکهنو را ترک نماید و در شهرهای مختلف هند مانند کلکته، کانپور، بنارس و پتنا سکونت نمود و به نوشتن و تحقیق ادامه داد. وی در هیئت و نجوم، فلسفه، تاریخ، فقه، حساب، منطق، تفسیر و کلام کتاب نگارش نموده است. وی کتابی را برای قضاوت اوده تألیف نمود که آنان مطابق این کتاب راهنما رأی خود را صادر می‌کردند. وی زندگی بسیار زاهدانه‌ای داشت و کارهای روزمره را خود شخصاً انجام می‌داد. حتی در دوران برعهده‌داشتن منصب قاضی القضاات اوده اگر

برای وی غذا می‌آوردند به آن آب می‌افزود تا غذا مزه خود را از دست بدهد و سپس غذا را تناول می‌کرد.^۲

خدمات خانواده کنتوری

تعداد زیادی از سادات مقیم خراسان، به ویژه از نیشابور و سبزوار در زمان حمله هولاکو به خراسان (۶۵۴-۶۶۳ق / ۱۲۵۶-۱۲۶۵م) آن دیار را ترک گفته، به هند مهاجرت نمودند. در دوران حکومت محمد بن تغلق (۷۲۵-۷۵۲ق / ۱۳۲۵-۱۳۵۱م) سید شرف الدین ابوطالب موسی معروف به سید اشرف ابوطالب همراه برادرش سید محمد به سوی دهلی حرکت کردند و از سوی سلطان محل کنتور واقع در بهرایچ شرق لکهنو عنوان «مدد معاش» به وی عطا گردید و آنها این منطقه را که جولانگاه راهزنان شده بود پاکسازی کردند.

مفتی سید محمد قلی موسوی نیشابوری کنتوری (متولد ۵ ذوالقعدة ۱۱۸۸ق) از احفاد سید اشرف ابوطالب، از شاگردان برجسته علامه سید دلدار سبزواری غفران‌مآب و متکلم معروف شیعی هندی است.^۳ وی در سال ۱۲۵۳ق به عنوان صدرالصدر سلطنت اوده منصوب

1- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 156-57.

۲- تذکره بی‌بها، ص ۲۲۶-۲۳۱.

3- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 164.

گردید. وی دربارهٔ فقه مذاهب چهارگانه و منابع حدیثی اهل سنت مطالعات دقیقی انجام داد.

در آن دوران که کمپانی هند شرقی بریتانیا برای سیطره کامل بر شبه قاره هند با به‌کارگیری سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» در سراسر هند تلاش می‌کرد، علمای سلفی در هند همانند شاه عبدالعزیز دهلوی و سید احمد بریلوی و پیروان وی به جای مقابله با سلطهٔ بریتانیا بر هند، با حمایت غیر مستقیم کمپانی هند شرقی تبلیغات گسترده‌ای را علیه شیعیان و مراسم عزاداری آنان آغاز کردند. بر این اساس، روحانی معروف سلفی مسلک هندی شاه عبدالعزیز دهلوی که از ۲۵ سالگی نابینا شده، مبتلا به مرض جذام بود - و در اثر همین بیماری هم از دنیا رفت - در سال ۱۲۰۴ق / ۱۷۸۹م کتابی توهین‌آمیز علیه شیعیان با عنوان تحفهٔ اثنا عشریه را در دوازده باب تألیف نمود که در آن افتراها و تهمت‌های ناروا علیه شیعیان تکرار شده است.^۱

علمای شیعه در هند در ردّ هر باب از این کتاب دهها کتاب در حقانیت مذهب تشیع تألیف نمودند که معروف‌ترین آنها کتاب عبققات الانوار فی امامة الأئمة الأطهار، تألیف علامه میر حامد حسین موسوی نیشابوری می‌باشد.

مفتی محمد قلی موسوی در ردّ تبلیغات علیه شیعیان و دفاع از مراسم عزاداری کتابی با عنوان فتوحات حیدریه تألیف نمود و در آن کتاب افعال صوفیان همانند موسیقی، رقص و قبرپرستی رهبران تصوف را شدیداً محکوم کرد.

مفتی محمد قلی موسوی سه پسر داشت که آنها از علمای معروف هند بودند. پسر ارشد وی میر سراج حسین موسوی (متولد ۱۲۳۸ق / ۱۸۲۲م) چند کتاب در موضوع فلسفه و جبر از انگلیسی ترجمه نمود. دومین فرزند وی میر اعجاز حسین (متولد ۲۱ رجب ۱۲۴۰ق) فهرست جامع کتب شیعه را تألیف نمود که در سال ۱۹۱۲م توسط جامعه آسیایی بنگال واقع در شهر کلکته به چاپ رسید. سومین فرزند وی میر حامد حسین موسوی، صاحب کتاب عبققات الانوار که شهرت فراوانی در جهان اسلام پیدا نمود، مایهٔ افتخار خانواده کتوری است.^۲

خدمات صاحب عبققات الانوار

میر حامد حسین موسوی در ۵ محرم ۱۲۴۶ق / ۲۷ ژوئن ۱۸۳۰م در شهر میرت متولد شد. وی از شاگردان برجسته مفتی محمد عباس شوشتری بود. وی بر چاپ آثار پدرش مانند فتوحات حیدریه و تشیید المطاعن نظارت داشت. در سال ۱۲۷۱ق / ۱۸۵۴م وی از شهر آگره و قبر قاضی نورالله شوشتری دیدن نمود و از مشاهده وضعیت خراب قبر قاضی نورالله متأثر شد و با کوشش‌های وی این قبر کاملاً بازسازی گردید. پیشتر میر منصور موسوی، حاکم شهر آگره در سال ۱۱۸۸ق / ۱۷۷۴م چهار دیوار و

1- Ibid, vol II, p. 66-68.

۲- مطلع انوار، ص ۱۵۶-۱۶۳.

حصار پیرامون قبر قاضی نورالله احداث نموده و اطراف قبر یک باغ به وجود آمده بود. علامه ناصر حسین فرزند صاحب عبقات الانوار بارگاه قاضی در آگره را به یکی از مهم‌ترین مراکز زیارتی شیعیان تبدیل نمود. صاحب عبقات الانوار و علامه ناصر حسین در محوطه بارگاه قاضی نورالله شوشتری به خاک سپرده شده‌اند.^۱

در سال ۱۲۸۲ق / ۱۸۶۵م میر حامد حسین همراه برادر بزرگش علامه اعجاز حسین به عربستان و عراق مسافرت نمودند و کتب خطی فراوانی را همراه خود به لکهنو آوردند و کتابخانه پدرش را تجهیز و بازسازی نمودند. هم‌زمان وی نگارش اثر معروف خود با عنوان عبقات الانوار فی امامة الأئمة الأطهار را آغاز نمود و آن را در هفت جلد تألیف نمود. این اثر جاودانه وی به عنوان بهترین کتاب در اثبات حقانیت امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام شناخته شده، امروز نیز به عنوان کتاب مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرزند ارشد میر حامد حسین به نام میرناصر حسین معروف به ناصر الملة (متولد ۱۹ جمادی الآخره ۱۲۸۴ق / ۱۸ اکتبر ۱۸۶۷م) محقق بزرگ و روحانی مبارزی بود که خدمات فراوانی برای ترویج تشیع در شبه قاره هند انجام داد. وی هشت جلد دیگر از عبقات الانوار را تألیف و به نام پدرش منتشر نمود. فتاوی وی در نه جلد و خطبه‌های نماز جمعه وی در چهل جلد گردآوری شده است.

وی بنیانگذار «دانشکده شیعه» و «شیعه

یتیم‌خانه» در شهر لکهنو می‌باشد. وی برای تأمین امنیت مراسم عزاداری در برابر حملات وهابیون اقدامات لازم را انجام داد. وی در یکم رجب ۱۳۶۱ق / ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۲م درگذشت و مطابق وصیت خود در جوار بارگاه قاضی نورالله شوشتری و در نزدیکی قبر پدرش صاحب عبقات الانوار به خاک سپرده شد.^۲

فرزندان ناصر الملة به نامهای مولانا سید محمد ناصر (م ۱۹ محرم ۱۳۶۸ / ۱۱ می ۱۹۶۶م) و مولانا محمد سعید (م ۱۲ جمادی الآخره ۱۳۸۷ق / ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۷م) هم از علمای بزرگ شیعه در شبه قاره هند محسوب می‌شدند.^۳

صاحب عبقات الانوار و فرزندش ناصر الملة در توسعه کتابخانه مرجعی که مفتی محمد قلی در شهر لکهنو تأسیس کرده بود، کوشش زیادی نمودند. کتابخانه مزبور معروف به کتابخانه ناصریه و دارای بیش از سی هزار نسخه کتاب می‌باشد که حدود ۵ هزار نسخه آن را کتابهای خطی تشکیل می‌دهند و بیشتر نسخ خطی این کتابخانه از نسخه‌های ارزشمند و کمیاب می‌باشند.^۴

۱- سید سبط الحسن، تذکره ماجد، لکهنو، ۱۹۷۹م، ص ۱۱۷-۱۲۰.

۲- تذکره بی‌بها، ص ۴۳۷-۴۴۲؛ مطلع انوار، ص ۶۵۸-۶۶۸.

3- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 173.

۴- دکتر مهدی خواجه پیری، «کتابخانه‌های لکهنو»،

یکی دیگر از اعضای خانواده کنتوری مولانا غلام حسین داماد مفتی محمد قلی از علمای برجسته شیعه در هند می‌باشد. علاوه بر فقیه و مستکلم بودن، در علوم طب، شیمی و فنون حرفه‌ای مهارت خاصی داشت و چندین اختراع را به ثبت رساند^۱. وی شدیداً مخالف افکار دهری‌گری سر سید احمدخان بنیانگذار دانشگاه مسلمانان در شهر علی‌گره بود. وی مقالات بسیاری را در رد افکار دهری‌گری، تبلیغات دینی میسیونرهای مسیحی و مبلغان هندوئیسم وابسته به جنبش آریا سماج (Arya Samaj) نوشت که در مجلات مختلف به چاپ رسید. مجموعه مقالات وی در سه جلد با عنوان انتصار اسلام چاپ گردیده است.

مولانا کنتوری کتاب برهان قاطع را ویرایش کرد و در لکهنو به چاپ رساند. همچنین کتاب قانون ابن سینا در طب و سه کتاب دیگر طب اسلامی را به اردو ترجمه نمود. علاوه بر این، دو کتاب در علم شیمی را به زبان اردو تألیف نمود^۲. وی واعظ و منبری برجسته‌ای بود و در نقل روایات درباره واقعه کربلا از منابع معتبر استفاده می‌نمود. وی طرفدار تقریب بین مذاهب اسلامی بود و در دومین جلسه علمای اهل سنت از سراسر هند که در آوریل ۱۸۹۴م در شهر کانپور هند برگزار شد شرکت نمود و درباره اهمیت تقریب بین مذاهب اسلامی سخنرانی تاریخی ایراد کرد و از سوی علمای اهل سنت مأموریت یافت برای تحول در تدریس ادبیات عربی در

حوزه‌های دینی مسلمانان هند اقدامات لازم را انجام دهد^۳.

فرزند مولانا غلام حسین کنتوری به نام مولانا تصدوق حسین، در تألیف کتاب معروف عبقات الانوار با مؤلف آن علامه میرحامد حسین موسوی که دایی وی بود، همکاری نزدیک داشت و در سفر حج و عراق همراه دایی خود بود. بعد از رحلت صاحب عبقات الانوار وی لکهنو را ترک گفت و در شهر حیدرآباد دکن اقامت اختیار نمود و در ربیع‌الاول ۱۳۱۴ق / آگوست ۱۸۹۶م عهده‌دار مدیریت کتابخانه بزرگ آصفیه در این شهر شد. وی این کتابخانه را توسعه داد و با کوششهای وی این کتابخانه به یکی از بزرگ‌ترین گنجینه‌های کتابهای خطی نفیس مبدل گردید.

وی کتاب ابصار العین فی انصار الحسین، نوشته شیخ محمد طاهر سماوی را به اردو ترجمه نمود و آن را نورالعین نامید و شرح باب حادی عشر و جامع الاحکام را هم به اردو ترجمه نمود^۴.

①

→ مشکوة، ش ۱۸-۱۹، بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۱۹۰.

1- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 174.

۲- مطلع انوار، ص ۳۸۶-۳۸۹.

3- *Isna Ashari Shi'is in India*, vol II, p. 174.

۴- تذکره بی‌بها، ص ۱۰۶.